



## مصاحبه رفیق علی خاوری با نشریه "دنیای جوان" (یونگه ولت) آلمان "این آغاز پایان رژیم است"



شماره ۸۲۳، ۲۶ مرداد ۱۳۸۸  
دوره هشتم، سال بیست و چهارم

ادامه در صفحات ۶، ۷، و ۸

نامه کمیته مرکزی حزب توده  
ایران خطاب به دبیر کل  
سازمان ملل در صفحه ۲

درس ها و تجربیات تاریخی  
کودتای ۲۸ مرداد

مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت که سرانجام با کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد سرکوب و درخون غرق شد، از صفحات پراهمیت تاریخ معاصر ایران به شمار می آید. آن سال ها و حکومت ملی دکتر محمد مصدق دوران حساس و سرنوشت ساز تاریخی قلمداد می شوند که با گذشت زمان درس ها و تجربیات ارزشمند آن در پیکار با استبداد، ارتجاع و امپریالیسم موضوعیت و فعلیت خود را از دست نداده و نمی دهند. امروزه بکارگیری تجربیات ناشی از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در اوضاعی که مردم میهن ما درگیر نبردی نابرابر و سرنوشت ساز با رژیم ولایت فقیه و کودتای انتخاباتی هستند، اهمیتی دو چندان کسب می کند. مروری بر حوادث جنبش ملی شدن صنعت نفت و نقش و تاثیر طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی در این رخ داد تاریخی و علت کودتای ۲۸ مرداد و دلایل پیروزی ارتجاع و امپریالیسم، بی شک حاوی نکات و درس های گرانبهایی است که باید ره توشه نسل نو مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی قرار گیرد. تجربیات تاریخ

ادامه در صفحه ۳

"در میهن ما ابهت، شکست ناپذیری و تقدس قدرت حکومت مذهبی ولایت فقیه شکاف های جدی برداشته است. مردم میهن ما این واقعیت را به خوبی درک کرده اند که از جنبش و حرکت آن هاست که آینده آنان شکل خواهد گرفت و با شیوه های ابتکاری و خلاق خودشان این پیکار دشوار و نابرابر را به پیش می برند."

## رسوایی و محکومیت رژیم ولایت فقیه در محکمه افکار عمومی مردم ایران و جهان!

محاکمات و به ویژه نمایش اعترافات قربانیان شکنجه های جسمی و روانی هم در ایران و هم در سراسر جهان به طور گسترده ای محکوم شد. در هفته گذشته سازمان ملل نیز خواهان رسیدگی به موارد اتهامی شکنجه در ایران شد. گزارشگر ویژه سازمان ملل در این رابطه اظهار داشته است که دولت ایران به او اجازه نداده است تا از ایران بازدید کند. بی حرمتی نسبت به سازمان ملل و خواست سازمان عفو بین الملل که نماینده اش هنوز حتی پاسخی درباره فرستادن ناظران این سازمان به محاکمه های مذکور دریافت نکرده است، شیوه برخورد و موضع ترتیب دهندگان این محاکمه ها را نسبت به افکار عمومی به روشنی نشان می دهد.

کینه و خصومتی که رژیم نسبت به افکار مترقی ایران و جهان نشان می دهد، آینه تمام نمای بی حرمتی و بی توجهی آن به ضوابط و معیارهای زندگی دموکراتیک و نشان دهنده سابقه دیرین این رژیم در زمینه نقض حقوق بشر مردم ایران است.

از روزی که عوامل رژیم و ارگان های امنیتی- نظامی آن نتیجه انتخابات و آرا ۴۰ میلیونی مردم را وقیحانه جابجا کردند و احمدی نژاد را به عنوان "پیروز انتخابات" از صندوق ها بیرون آوردند، نزدیک به ۱۰۰ تن

ادامه در صفحه ۹

تاریخ جنبش های مردمی را در سنگر های نبرد: در کوچه ها و خیابان ها، در کارخانه ها، در مدارس و دانشگاه ها و مراکز کار، یعنی آنجا که توده ها برای ایجاد تغییر و دفاع از عدالت، دموکراسی و حقوق شان بسیج می شوند، می نویسند. امروز در ایران تاریخ در حال نوشته شدن است و رژیم ولایت فقیه با شکنجه، محاکمات فرمایشی و سرکوب خونین و خشن جنبش مردمی نمی تواند روند تاریخی بی که در میهن ما در جریان است را متوقف کند. این آغاز پایان رژیمی است که بی شک محکوم تاریخی این نبرد خواهد بود.

انتشار نامه افشاء گرانه مهدی کروبی در رابطه با جنایات نیروهای امنیتی و انتظامی تحت فرمان "ولی فقیه"، در زندان ها، و تبعات پدافند آن موج قدرتمند دیگری از مخالفت های گسترده داخلی و بین المللی را نسبت به عملکرد رژیم برانگیخت. این افشاگری ها در شرایطی صورت می گیرد که محاکمات نمایشی گروهی از رهبران جنبش اصلاحات و فعالان تظاهرات خیابانی بازداشت شده در دو هفته اخیر نیز نه توانسته است، آن طور که سران رژیم انتظار داشتند، به تثبیت شرایط سیاسی کشور کمک کند. این

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"



## نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به دبیر کل سازمان ملل

جناب آقای بان کی-مون، دبیر کل محترم سازمان ملل

همانگونه که مستحضر هستید نزدیک به دو ماه پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ تظاهرات گسترده مردم ایران در اعتراض به عملکرد غیرقانونی رژیم در دستکاری در نتیجه انتخابات هنوز ادامه دارد. بر اساس اطلاعات موثق ارگان های امنیتی و انتظامی رژیم در طول این مدت با اتخاذ راهکرد های غیرقانونی و سرکوبگرانه بیش از هزار تن از فعالان و رهبران جنبش اعتراضی صلح آمیز را دستگیر، ده ها تن را در خیابان ها با تیراندازی به صفوف تظاهرات و یا در شکنجه گاه های رژیم به قتل رسانده و شرایط نامناسبی را برای اکثریت مردم ایران ایجاد کرده اند.

باور عمومی در ایران و نظر حقوقدانان برجسته کشور بر این است که بازداشت های صورت گرفته مغایر با نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در هفته های اخیر اطلاعات نگران کننده ای از شیوه های برخورد با دستگیر شدگان رویدادهای اخیر و به ویژه سران سرشناس جنبش اصلاح طلبی منتشر شده است، که نمی تواند نگرانی عمیق نیروهای سیاسی ایران و دوستداران حقوق بشر و دموکراسی و عدالت در جهان را بر نیانگیزد. از هفته گذشته جلسه دادگاه شخصیت های سرشناس جنبش اصلاحات که در میان آن برخی از مقامات عالی رسمی پیشین کشور قرار دارند آغاز شده است. آنچه در این دادگاه و روند رسیدگی به پرونده متهمان صورت می گیرد، کمترین شباهتی به یک دادرسی قانونی و مدرن و مرسوم ندارد و در حقیقت نمایش مسممز کننده اعتراضات اجباری انسان های شکنجه شده می باشد. متن کیفر خواست مدعی العموم نیز چیزی جدای از تبلیغات و پرونده سازی غیرقانونی سران رژیم ندارد و با یک سند حقوقی قابل طرح در دادگاه آن هم به عنوان کیفرخواست در مغایرت کامل قرار دارد. اکنون مشخص شده است که در مراحل باجوئی و جلسات محاکمه بازداشت شدگان تظاهرات هفته های اخیر هیچ یک از موازین معمول بین المللی و قانونی در رابطه با روند دادرسی رعایت نگردیده است. گزارش های واصله از ایران از اعمال سیستماتیک شکنجه های فیزیکی و روانی برای مجبور کردن قربانیان به اعتراف به "برنامه ریزی اقدامات غیرقانونی"، "کوشش برای انقلاب مخملی" و یا "ارتباط با کشورهای بیگانه و محافل خارج از کشور" سخن می گویند. متن کیفرخواست رژیم، اتهامات وارده، ایراد فشار همه جانبه فیزیکی و روانی در شرایط انزوای کامل همگی تصویرگر ابعاد خطراتی است که جان این قربانیان را تهدید می کند. حزب توده ایران که در اوایل دهه ۱۳۶۰ قربانی توطئه پلید و حساب شده مشابهی شد که در جریان آن بسیاری از کادرها و فعالین آن اعدام و یا در زیر شکنجه به قتل رسیدند، نسبت به برنامه های حساب شده رژیم حاکم اعلام خطر می کند. ما نگران هستیم که سران رژیم برای غلبه بر بحران سیاسی عمیق حاکم بر کشور مشابه آنچه که در سال ۱۳۶۷ مرتکب شدند، با قتل عام زندانیان سیاسی سعی بر تثبیت حاکمیت خود بنمایند. افکار عمومی ایران اعتراضات مسممز کننده و دروغ در جریان جلسات دادگاه های اخیر را فاقد هر گونه ارزش و اصالت دانسته و آن را دستاویزی از سوی رژیم برای سرکوب مخالفان سیاسی خود می داند.

سلامت و امنیت جانی این فعالان سیاسی و همه بازداشت شدگان هفته های اخیر نگرانی وسیعی را به وجود آورده است. حزب توده ایران از سازمان ملل متحد می خواهد که:

- از مقامات حکومتی ایران خواهان انتشار لیست نام تمامی بازداشت شدگان، اتهام آنان و محل نگهداری آن ها بشود

- از دولت جمهوری اسلامی ایران بخواهد که لیست اسامی تمامی کشته شدگان رخدادهای اخیر چه در جریان تظاهرات و چه در بازداشتگاه ها، شرایط و مسببان

این تراژدی ها را منتشر کند.  
- امکان حضور نمایندگان کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در جلسات دادگاه و ملاقات آزادانه با بازداشت شدگان و وکلای مدافع آنان را فراهم کند.  
- در چارچوب میثاق های بین المللی و منشور جهانی حقوق بشر و در چارچوب تعهدات بین المللی رژیم، از مقامات رسمی رژیم خواهان تضمین سلامت، برخورد انسانی و قانونی با بازداشت شده گان دو ماهه اخیر بشود.

- تضمین های لازم برای دسترسی بازداشت شدگان به وکیل مدافع و امکان دفاع آزادانه داده شود.  
- برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، اعاده حیثیت از همه بازداشت شدگان و معرفی شکنجه گران اقدام گردد.

حزب توده ایران پیشاپیش از بذل توجه عاجل شما در رابطه با این امر تشکر می نماید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۹ اوت ۲۰۰۹

رونوشت به:

- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل-ژنو  
- سازمان عفو بین الملل

### ادامه بهداشت، نبرد سخت ...

این راستا تا کنون یک میلیون نامه و پیام الکترونی از سوی رای دهندگان برای سناتور ها فرستاده شد. کار زار به سندیکای پرستاران که در حال از دست دادن بیمه هایشان هستند، نیز کشیده شد. اعتراض ها در تله ویزبون ها هم منعکس میشود. شنبه اول اوت در جلوی سنا یک گردهمایی انجام گرفت. ده ها سازمان، انجمن، سندیکالیست ها، فمینیستها (به ویژه زنان سیاه و دو رگه که از بیش دیگران در معرض خطر هستند) بسیج شدند. گردهم آئی ها برای یاد بود بنیان گذاری جنبش در پنجاه وسه شهر بر گزار خواهد شد. اکنون چهل و چهار سال از ایجاد اولین "موسسه کمک" میگذرد. نبرد فشرده است. سپاه سناتور "دی مینت" از همان نخستین روز مباحثات هزار نفر از نمایندگان صاحبان منابع و موسسات بهداشت را در دالان های "کاپیتول هیل" جمع کرد. "لابیست" ها که دسته چک هایشان داور میدان معرکه خواهد بود، رفورمی را که می باید یک پوشش پزشکی برای بیست و دو میلیون از چهل و هفت میلیون نیاز مند را در بر بگیرد، مورد شک و سؤال قرار میدهند.

و در این نبرد "واترلو" یک گروه از "Blue Dogs" سگ های آبی یعنی یک جمع چهل نفری از نمایندگان دموکرات که به صف دشمن پیوسته اند که با اصلاحات پیشهدادی، درلباس "کسر بودجه" و "احترام به آزادی انتخاب" که برای "دی مینت" آن همه عزیز است، مخالفت کنند. با آن که همه کوشش اوپاما بر این قرار داشت که لایحه اصلاحات سیستم طب ملی پیش از تعطیلات تابستان به تصویب برسد ولی گویا این مبارزه زود تر از پاییز به نتیجه نخواهد رسید.



سرمایه داری ملی یعنی جبهه ملی ایران در این سه مرحله با تفاوت هایی همراه است که بازتاب آن عامل بنیادین در موفقیت کودتای ۲۸ مرداد قلمداد می شود. تفرقه و پراکندگی!

حزب توده ایران به عنوان نیروی متشکل و سازمانگر کشور، بسیج نیروهای ضد امپریالیستی را در اولویت سیاست های خود داشت. حزب در این مسیر به فعالیت گسترده و بسیار جدی پرداخت و با وجود تجربه ناکافی و ترکیب ناقص رهبری (زیرا بخشی از رهبری با تجربه تر حزب پس از توطئه ۱۵ بهمن به اجبار در مهاجرت بسر می برد) به موفقیت های بزرگی دست یافت. در عین حال حزب ما با کم بها دادن به نقش و نیروی سرمایه داری ملی و نمایندگان سیاسی آن دچار اشتباهاتی شد.

در مقابل نیز سکوت، مماشات و عدم تحرک لازم در لحظه های حساس از سوی دولت مصدق و عدم درک صحیح از ضرورت همکاری با حزب توده ایران و اصولاً لزوم وحدت همه نیروهای میهن دوست، به کامیابی دشمنان مردم ایران و موفقیت کودتای ۲۸ مرداد منتهی گردید. به عبارت دیگر موضعگیری نادرست حزب در قبال دولت مصدق طی دوره ای کوتاه و ماهیت متزلزل سرمایه داری ملی و دولت مصدق سبب گردید، جبهه واحد نیروهای ضد استبداد تشکیل نشود و در نبود این صف واحد مردمی و ملی، ارتجاع و امپریالیسم با انجام کودتای ۲۸ مرداد، مسیر طبیعی تاریخی کشور را ما را مختل کرده و دیکتاتوری خونین را که بسیاری از حوادث بعدی تاریخ ایران ناشی از آن است به میهن ما تحمیل کردند. کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن هرگز از حافظه تاریخی مردم ایران پاک نخواهد شد. درس بزرگ و تجربه تاریخی ۲۸ مرداد، درک ضرورت اتحاد در مبارزه با استبداد، استثمار و ارتجاع است! این درس گرانبها هم اکنون در مبارزه سرنوشت ساز با رژیم ولایت فقیه فراروی جنبش قرار دارد.

این تجربیات می آموزند که از تفرقه و پراکندگی فاصله بگیریم، ارزیابی صحیح از توان خود، متحدان و مخالفان و دشمنان داشته باشیم و بی وقفه و علی رغم ناملایمات برای همکاری و اتحاد عمل مبارزه کنیم. همواره و همیشه بر مردم متکی باشیم. با هرگونه اقدام، شعار و سیاست تفرقه آفرین با هر عنوان و نیت مقابله کنیم. بقول زنده یاد رحمان هاتفی-حیدر مهرگان: "تجربه ۲۸ مرداد، پهای رودها خون و دریاها رنج است. این تجربه غنی که خاکستر آرزوهای مردمی سلحشور و مجروح در آن مدفون است، امروز هم مثل دیروز به اعجاز اتحاد اشاره می کند ..."

بنابراین باید از تجربه ۲۸ مرداد برای شناخت دوست و دشمن در جنبش اعتراضی امروز پند گرفت و ماهیت واقعی همه نیروها را به درستی باز شناخت و با قاطعیت در راه نزدیکی و اتحاد عمل همه نیروهای راستین هوادار آزادی تلاش کرده و در پیکار با استبداد و واپس گرایی به نیروی فنا ناپذیر توده ها وفادار بود!

## ادامه تجربه تاریخی ۲۸ مرداد ...

اگر درست بکار گرفته شوند، همواره عاملی موثر در ارتقا و تقویت جنبش های مردمی محسوب می گردند.

کودتای ۲۸ مرداد ماه در چارچوب و زمینه تاریخی-اجتماعی معینی رخ داد.

در آستانه ملی شدن صنعت نفت، بورژوازی ملی ایران به صورت فعال وارد مبارزه شد و بخش اعظم قشرهای بینابینی و خرده بورژوازی شهری را تحت هدایت خود داشت. سرمایه داری ملی با هدف کسب قدرت حاکمه که، زمینه های عینی و ذهنی آن نیز فراهم بود در جنبش ملی حضور یافته و با شعار استیفای حقوق مردم ایران از نفت، لبه تیز حمله را متوجه امپریالیسم انگلستان می کرد. در عین حال طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نیز بر بستر تضاد بین خلق و امپریالیسم و نیز تضاد میان مردم و دولت بزرگ مالکان و بورژوازی بزرگ، نقش پررنگ و بسیار فعالی در جنبش همگانی مردم برعهده داشتند. آینده جنبش و میزان کامیابی آن به اتحاد و همکاری این طبقات اجتماعی و نمایندگان سیاسی آن بستگی می یافت، امری که به ارزیابی صحیح نیروهای اجتماعی باز می گشت، ولی متاسفانه در این زمینه فوق العاده حیاتی از هر دو سو اشتباهاتی رخ داد که در سطور آینده به آن خواهیم پرداخت.

جنبش ملی کردن صنعت نفت که در حقیقت به قول زنده یاد رفیق شهید رحمان هاتفی-حیدر مهرگان- "منظر گاهی از یک انقلاب ملی و دمکراتیک، آغشته به بوی شدید نفت"، بود شامل سه مرحله می گردد، مرحله اول دوران تشدید مبارزه برای رد قرارداد الحاقی است، که در سراسر کشور گسترش می یافت و گام به گام شعار ملی کردن صنعت نفت را در دستور کار قرار می داد. مرحله دوم، با تصویب ملی شدن نفت و با روی کار آمدن حکومت ملی دکتر محمد مصدق همراه است. در این دوره، در نتیجه مبارزات قهرمانانه مردم دولت مصدق تشکیل می شود و ضربات جدی بردبار، امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی وارد می آید. مرحله سوم که می توان مبداء آن را رخ داد تاریخی سی تیرماه ۱۳۳۱ دانست، مرحله ای است که نیروهای مرتجع شامل دربار و دارودسته آیت الله کاشانی با پشت کردن به خواست توده ها با همدستی امپریالیسم به فعالیت برای سرنگونی دولت ملی و قانونی مصدق مشغول می شوند و سرانجام با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یک دیکتاتوری فاسد و وابسته را به کشور تحمیل می کنند.

مناسبات میان نیروهای عمده جنبش یعنی حزب طبقه کارگر-حزب توده ایران از یک سو و دیگر جریانات به ویژه نمایندگان سیاسی







### اعمال فشار هدفمند بر جنبش دانشجویی کشور

کودتاجیان با آگاهی از نقش و جایگاه جوانان و جنبش دانشجویی در تحولات کشور و حضور موثر و ارزنده آنان در مبارزه سراسری علیه کودتای انتخاباتی، با نزدیک شدن زمان گشایش دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی بر شدت اعمال فشار خود بر جنبش دانشجویی افزوده اند. در حالیکه ده ها دانشجوی عدالت جو و میهن دوست در وقایع اخیر دستگیر و در زندان بسر می برند و از سرنوشت برخی از آنان اطلاعی در دست نیست. موج صدور احکام انضباطی دانشگاه های سراسر کشور را فرا گرفته است. در دانشگاه تهران، شیراز، مشهد، همدان، تربیت معلم، پلی تکنیک (امیرکبیر) و دانشگاه صنعت نفت اهواز، بسیاری از دانشجویان به کمیته های انضباطی فراخوانده شده و مورد تهدید قرار گرفته اند. در این باره خبرنگار امیرکبیر ۱۴ مرداد ماه در گزارشی از جمله نوشت: "در دانشگاه تربیت معلم، صدور احکام انضباطی برای دانشجویان پس از احضارهای اولیه آغاز شد. پس از موج گسترده احضارها به کمیته انضباطی در دانشگاه تربیت معلم و در حالی که کماکان به تعداد احضار شدگان به کمیته ی انضباطی افزوده می شود، دو دانشجو این دانشگاه به محرومیت از ترم های تحصیلی محکوم شدند."

علاوه بر این در دانشگاه تهران تاکنون حداقل بیست دانشجو به کمیته های انضباطی معرفی و مورد تهدید قرار گرفته اند. به این دانشجویان گفته شده در صورت ادامه فعالیت اخراج خواهند شد. خبرنگار امیرکبیر ۱۳ مرداد ماه گزارش داد: "از دانشگاه صنعت نفت اهواز نیز طی هفته های پس از انتخابات بیش از ۱۰ دانشجو به دلیل اعتراض به نتایج انتخابات بازداشت شدند. اکثر این دانشجویان به درخواست سپاه بازداشت شده اند. در روزهای اخیر نیز حداقل چهار دانشجو از سوی کمیته

انضباطی بازجویی شده اند."

در حال حاضر ده ها دانشجو در دانشگاه های مشهد و شیراز احکام احضار به کمیته انضباطی دریافت کرده اند. خطر اخراج و محرومیت از تحصیل برخی از آنان را تهدید می کند. بازداشت، تعلیق ترم تحصیلی و اخراج از دانشگاه به عنوان اهرم فشار از سوی کودتاجیان و ارتجاع حاکم علیه جنبش دانشجویی به کار گرفته می شود. مرتجعان با نزدیک شدن زمان بازگشایی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، از مبارزه دانشجویان و گسترش آن به جامعه نگران هستند و از این رو از هم اکنون با اعمال فشار هدفمند سعی در مهار جنبش دانشجویی دارند. هراس ارتجاع تبدیل دانشگاه به مرکزی برای مبارزه علیه کودتای انتخاباتی پس از آغاز به کار دولت ضد مردمی احمدی نژاد است. حفظ وحدت در صفوف جنبش دانشجویی و برخورد و عمل سنجیده و حساب شده و تشدید اعتراضات در پیوند با پیکار همگانی توده ها، می تواند توطئه کودتاجیان را عقیم بگذارد!

### وقتی شکنجه گر در نقش وکیل و قاضی ظاهر می شود!

برگزاری دادگاه نمایشی که طی آن اعتراضات اجباری برخی از اصلاح طلبان پخش شد، باردیگر موضوع شکنجه در رژیم ولایت فقیه و برپایی نمایشات مسمم کننده اعتراضات را به صدر اخبار و گزارشات تبدیل کرد. در این میان موضعگیری ارگان های تبلیغاتی کودتاجیان نظیر کیهان، رجانبوز، عدالتخانه، ثانیه نیوز و خبرگزاری فارس بسیار قابل توجه و افشاگرانه بوده و هست. این رسانه ها با وقاحت تمام از شکنجه و کشتار در زندان ها و نمایشات زشت و منزجرکننده اعتراضات دفاع کرده و آن را نشانه توانایی و درایت رژیم در برابر مخالفان خود ارزیابی می کنند. مثلاً خبرگزاری فارس ۱۱ مردادماه نوشت: "بهترین شیوه انتقال واقعیت ها اظهار نظر مستقیم متهمان است، با توجه به ضرورت اطلاع رسانی به افکار عمومی بهتر است این اطلاعات از زبان خود متهمان بیان شود تا اینکه مسئولان امنیتی آن را برای مردم بیان کنند ...". اما این فقط خبرگزاری فارس نیست که با این بی آبرویی از شکنجه و اعتراف گیری حمایت می کند، حسین شریعتمداری شکنجه گر سپاه زمانی که اعترافات ابطحی به نمایش گذاشته شد، به زعم خود با نام بردن از زنده یاد رفیق طبری، به مقایسه علت مشترک اعتراف اصلاح طلبان و رهبران شهید حزب ما پرداخته و در کیهان ۱۲ مردادماه در ستون نکته، نوشت: "اعترافات تکان دهنده متهمان آشوب های اخیر در دادگاه علنی روز شنبه ... همانگونه که انتظار می رفت اردوگاه فتنه انگیزان را با شوک شدیدی روبرو کرد، چرا که اعترافات و اسناد منتشر شده از چنان استحکامی برخوردار است که نفی و انکار آن برای سران فتنه امکان پذیر نیست."

کیهان سپس با نام بردن از زنده یاد رفیق احسان طبری به زعم خود دلیل اعترافات را "استحکام استدلال بازجویان" و "منطق قوی جمهوری اسلامی در مقابل مخالفان" عنوان می سازد. پر واضح است سند و دلیل مورد ادعای شریعتمداری سخنان شخص شکنجه شده در برابر دوربین تلویزیون و یا هر تریبون دیگری است. چنین "منطقی" فقط و فقط در رژیم ولایت فقیه یافت می شود. در دهه خونین شصت، بسیاری از بازجویان و شکنجه گران در عین حال قاضی نیز بودند. تعدادی از بازجویان شعبه های دادستانی انقلاب اسلامی تهران، نظیر شعب پنج، شش و هفت برخی روزها با کابل، دستبند قپانی و دیگر انواع شکنجه های جسمی و روحی از زندانیان بازجویی کرده و آنها را وادار به اعترافات ساختگی می کردند و روزهای دیگری را به امر قضاوت می پرداختند و زندانیان را در دادرسی انقلاب اسلامی بدون وکیل محاکمه کرده و برای آنان حکم های مختلف صادر می کردند. صحنه این گونه دادگاه ها را زنده یاد دکتر احمد دانش خود به آیت الله منتظری به تصویر کشیده است. در نامه دکتر احمد دانش در این خصوص آمده است: "... باری، بلاخره پس از بیش از دو سال زندانی بودن و در شرایط سخت و بلا تکلیفی، یک روز صبح زود مرا صدا کردند، مانند همیشه با چشم های بسته از سلول بیرون آمدم و توسط مامورین به اطاقی هدایت شدم. در آنجا برای اولین بار اجازه یافتیم که چشم بند خود را برداریم. روحانی جوانی پشت یک میز تحریر نشسته بود و شروع کرد از داخل پرونده ای که در مقابلش بود، سؤال مطرح کردن، که به آنها جواب داده شد و من فکر کردم این جلسه ادامه بازجویی های سابق و برای جمع و جور کردن پرونده است. زیرا همان سؤال های دوران بازجویی های کذایی مطرح بود و از جمله سؤال ها اینکه آیا شما هنوز بر سر عقاید خود باقی هستید؟ ظاهر جلسه هیچگونه نشانه و اثری از یک جلسه دادگاه نداشت و من بعدها متوجه شدم که این جلسه می بایست جلسه دادگاه باشد. زیرا تنها

ادامه نگاهی به

جشنواره کمونیست: جلوه ای از همبستگی نیروهای چپ و ترقی خواه با جنبش مردم ایران



**\* بتی فرونتزبیارگ کارسون، صدرحزب کمونیست و از شخصیت های سرشناس جنبش کارگری و زنان دانمارک: کمونیست های دانمارک قاطعانه از مبارزه کنونی مردم ایران علیه رژیم استبدادی حمایت کرده و همبستگی خود را با این جنبش اصیل مردمی و نیروهای میهن دوست ایرانی، بویژه حزب توده ایران اعلام می کنند.**  
**\* فرانک آون، کمونیست پرسابقه و نماینده پارلمان عضو کمیسیون خارجی پارلمان دانمارک:**

**مبارزه مردم ایران، مبارزه ای برای رهایی از چنگال یک دیکتاتوری قرون وسطایی است که درعین حال با سیاست های مداخله جویانه و جنگ طلبانه امپریالیسم مقابله می کند.**  
**\* سورن سوناگورد نماینده پارلمان اروپا از جنبش خلق دانمارک برضد اتحادیه اروپا: ماهمبستگی با مردم ایران و جنبش کنونی را درسیاست های خود منظور می کنیم.**

روزهای ۱۵ و ۱۶ ماه آگوست (۲۴ و ۲۵ مرداد ۸۸) سال جاری میلادی جشنواره کمونیست به رسم همه ساله درقلب شهر کپنهاگ پایتخت دانمارک برگزار شد. درجشنواره امسال همبستگی با مبارزات مردم ایران و حمایت از جنبش کنونی آزادیخواهانه میهن ما درکنار مسایلی چون، مبارزه برای تامین امنیت شغلی زحمتکشان، زحمتکشان نباید بهای بحران اقتصادی را بپردازند، خروج نیروهای نظامی دانمارک از افغانستان و مبارزه با اتحادیه اروپا و مصوبات ضدکارگری و ضد کمونیستی آن دربرنامه های اصلی گنجانده شده بود. رفیق بتی فرونتزبیارگ کارسون صدر حزب کمونیست دردانمارک طی سخنرانی خود ضمن اشاره به مبارزه حق طلبانه مردم میهن ما، حمایت قاطع و همبستگی همه جانبه کمونیست های دانمارک با پیکار مردم ایران علیه کودتای انتخاباتی را اعلام داشت و تاکید کرد: "مبارزه دلیرانه و ستایش برانگیز مردم ایران برضد حکومت استبدادی و قرون وسطایی از حمایت جدی و همه جانبه ما کمونیست های دانمارک برخوردار است و ما به مردم ایران درود می فرستیم." درجشنواره امسال بخشی از برنامه اصلی به سخنرانی رفیق فرانک آون کمونیست پر سابقه و سردبیر پیشین ارگان مرکزی حزب که اکنون نماینده و عضو کمیسیون خارجی پارلمان دانمارک است و نیز سورن سوناگورد نماینده پارلمان اروپا از جنبش خلق دانمارک برضد اتحادیه اروپا اختصاص داشت.

(جنبش خلق برضد اتحادیه اروپا، ائتلاف گسترده نیروهای چپ و مترقی دانمارک است که حزب کمونیست نیز درآن حضور دارد. درانتخابات امسال پارلمان اروپا، این ائتلاف صاحب یک کرسی در پارلمان اروپا گردید) علاوه بر این محور عمده جشنواره به موضوع سازماندهی جنبش کارگری و مقابله با پیامدهای بحران اقتصادی مربوط می شد. حزب توده ایران دراین جشنواره شرکت فعال و موثری برای جلب حمایت از جنبش مردم ایران برضد کودتای انتخاباتی داشت. غرفه حزب، با شعارها، پلاکاردها و پوستره های متعددی از جمله پوسترهایی مربوط به مبارزات اخیر داخل کشور همراه با عکس هایی از ندا و سهراب و اعلامیه ها و اسناد حزب به زبان های فارسی، دانمارکی و آلمانی تزیین شده بود که با استقبال شرکت کنندگان به ویژه جوانان دانمارکی مواجه گردید. رفقای توده ای درطول برگزاری جشنواره ضمن ملاقات با نمایندگان و مسئولان انجمن ها و نهادهای مردمی و سندیکاهای کارگری حاضر درجشنواره کمونیست، مواضع حزب درخصوص رویدادهای کشور و جنبش اعتراضی مردم را توضیح داده و براهمیت همبستگی نیروهای چپ و ترقی خواه با این جنبش اصیل ملی و مردمی تاکید می کردند. علاوه برصدر حزب کمونیست دردانمارک، دیگر رهبران و مسئولان حزب برادر نیز درجلسات متعدد جشنواره پیرامون مسایل ایران، کودتای انتخاباتی، اعتراضات اجباری، زندانیان سیاسی و محکوم ساختن دادگاه های نمایشی سخنرانی کرده و به حمایت از مبارزه مردم ایران پرداختند.

جشنواره سالانه کمونیست که این بار استقبال مردم از آن بسیار بیشتر از سالیان قبل بود و برگزاری آن دردیگر رسانه های همگانی دانمارک بازتاب یافت، با موفقیت و درفضایی سرشار از امید به آینده به کار خود پایان داد. جشنواره امسال کمونیست جلوه ای بود از همبستگی برادرانه کمونیست ها با مبارزه مردم ایران بر ضد کودتای انتخاباتی و رژیم ولایت فقیه!

من بودم و آقای روحانی که پشت میز نشسته بود. ایشان هم سؤال می کرد و هم خود می نوشت. اگر درست باشد که آن جلسه، جلسه دادگاه بوده است، ایشان هم رییس دادگاه، هم دادستان، هم هیات منصفه هم نماینده منافع متهم دریک جلسه که می بایست درآن درباره سرنوشت یک حزب سیاسی با چند سال سابقه فعالیت ضد امپریالیستی و درباره سرنوشت یک انسان تصمیم گیری شود، چند دقیقه بیشتر طول نکشید ....". از دستگاه قضایی و تامینی چنین رژیمی البته نباید بیشتر از آنچه شریعتمداری و شریعتمداری ها می گویند انتظار داشت و شگفت آور نیست که بازجو و شکنجه گری مانند حسین شریعتمداری و نظایر او وکیل و قاضی متهمان و زندانیان سیاسی بی پناه هم باشند و برای تایید اعترافات، به دروغ های زشت و عوام فریبی مشمئزکننده متوسل شوند. درباره اصلاح طلبان و دیگر زندانیان حوادث اخیر نیز این امر صادق است. باید تاکید کنیم اصولاً در رژیم ولایت فقیه شکنجه گر درعین حال وکیل و قاضی نیز هست. سی سال جنایت و کشتار و بی رحمی در زندان ها گواه روشن این مدعا است!

## مصاحبه رفیق علی خاوری با نشریه "دنیای جوان" (یونگه ولت) آلمان "این آغاز پایان رژیم است"

به پیشنهاد و دعوت هیئت تحریریه روزنامه چپ گرای "یونگه ولت" (دنیای جوان) از رهبری حزب توده ایران، خبرنگار این نشریه آقای پیتر اشتاینیگر، مصاحبه مفصلی در رابطه با تحولات اخیر کشور، درباره انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، جنبش اعتراضی مردم میهن، سیاست های رژیم حاکم و تحلیل حزب توده ایران در این زمینه با رفیق علی خاوری انجام داد. این مصاحبه در شماره روز شنبه ۸ اوت ۲۰۰۹ نشریه "یونگه ولت" منتشر شده است.

**سؤال:** رفیق خاوری، حزب شما در انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و سرنگونی شاه شرکت داشت. در سال ۱۹۸۳ رژیم ملایان بطور وحشیانه ای حزب را سرکوب و غیرقانونی کرد. امروزه، حزب صرفاً در تبعید فعالیت دارد. حزب توده ایران امروزه تحت چه شرایطی فعالیت میکند و اعضاء آن در ایران با چه نوع مشکلاتی و سرکوبی هائی روبرو هستند؟

**جواب:** با صمیمانه ترین دروهای رفیقانه به هیئت تحریریه و خوانندگان نشریه "یونگه ولت" با تغییر کوچکی در سؤال اول، که زیاد هم کوچک نیست، آنجا که می پرسید "... امروزه حزب شما صرفاً در تبعید فعالیت دارد..."، باید گفت که حزب توده ایران اساساً در تبعید اما نه صرفاً در تبعید فعالیت دارد. به ویژه اینکه بهره گیری از امکان ارتباطی الکترونیک فعالیت هر سازمان و حزب در موقعیت اپوزیسیون رژیم پلیسی و سانسور ولایت فقیه را دگرگون کرده است. حزب هرگونه فعالیت مبارزاتی بیرونی خود را به قصد تأثیر گذاری بر حوادث درون کشور و شرکت هرچه فعالتر در روند مبارزات سیاسی کارگری و توده ای کشور به پیش می برد. این گونه تنظیم حرکت حزب فقط می تواند معنا و محتوای یک حزب دارای نزدیک به ۷۰ سال تاریخ پیکار بسیار مؤثر در سرنوشت میهن ما را تعیین کند که همین طور هم هست. هر گوشه زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه متنوع ما متأثر از این فعالیت و پیکار خستگی ناپذیر حزب بوده است.

رژیم های دوگانه پیش و پس از انقلاب حاکم بر کشور همواره حزب توده ایران را جدی ترین و مؤثر ترین نیروهای اپوزیسیون خود می دیده و می بیند. دلایل این واقعیت و ریشه های آن را در مبارزه پیگیر و دشوار حزب با استبداد سلطنتی و سرسپردگی رژیم پادشاهی و مبارزه با رژیم ولایت فقیه که با یورش به همه نهادهای دموکراتیک و مردمی، سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مردم میهن ما، به اهداف انقلاب که اساساً آزادی، عدالت و استقلال بود، خیانت کرده است، باید دید.

برای دوستان خواننده آلمانی نشریه "یونگه ولت" که این روزها حوادث ایران را دنبال می کنند، میزان مقایسه مناسبی در دسترس است تا ببینند رژیمی که اعتراض مسالمت آمیز و آرام شهروندهای خود را به انتخابات ریاست جمهوری این چنین به آتش و خون می کشد، با فعالیت و حضور یک حزب فعال در عرصه مقابله و نفی و طرد رژیم ولایت فقیه چه گونه رفتار می کند و کرده است. حزب توده ایران طرد رژیم استبدادی ولایت فقیه را می خواهد و رژیم استبدادی نابودی حزب را رژیم ولایتی با تمام ابزار سرکوب، تبلیغات و فریب کاری و تزویرش این مقصد پلید خود را دنبال می کند.

**سؤال:** محمود احمدی نژاد در انتخابات سال ۲۰۰۵، مخصوص به کمک آراء جمعیت فقیر مردم پیروز شد. آیا این مردم از سیاست های او در چهار سال اخیر نفع برده اند؟

**جواب:** احمدی نژاد در ۴ سال دوره اول ریاست جمهوری خود از همه امکانات تبلیغاتی به نفع تدارک انتخاب مجدد خود بهره گرفته است. صدا و سیمای جمهوری اسلامی (راديو و تلویزیون دولتی) در اختیار تبلیغات عوام فریبانه او بوده است. سفرهای صرفاً تبلیغاتی او به استان های کشور و دادن وعده های سرخرمن و اغلب بی محتوی به مردم محل، تظاهر شدید به قشریت مذهبی، هزینه کردن میلیاردها دلار در راه تدارک شوهای پرهزینه تبلیغاتی و تحریک احساسات ملی و مذهبی مردم، استفاده از پشتیبانی ارتجاعی ترین بخش روحانیت و شخص خامنه ای، تغذیه و فربه کردن نهادهای نظامی - امنیتی مانند سپاه و بسیج از طریق دادن منافع مالی و امتیازات مهم به این نهادها، و پیوند دادن بخش های مهمی از آن ها به عرابه دولت خود از جمله راه کارهای مورد استفاده احمدی نژاد در هموار کردن راه دوره دوم ریاست جمهوری او بوده است. به این مقدمه نه چندان کوتاه، باید تقلب میلیونی در جابجائی آراء مردم معترض و مخالف را هم نیز اضافه کرد، چیزی که موضوع جدی اعتراضات امروز مردم در کشور ماست. باید گفت که با توجه به همین عملکرد منفی و ضد مردمی حکومت احمدی نژاد چه در ساحه اقتصادی و چه در ساحه آزادی های فردی و اجتماعی و چه در روابط و سیاست خارجی کشور بود که اکثریت مردم میهن ما در این انتخابات آگاهانه به پای صندوق های رای رفتند. پس از خاتمه رای گیری در ظرف فقط چند ساعت نتیجه شمارش ۴۰ میلیون آراء ریخته شده به صندوق ها اعلام شد. این امر و شواهد و اسناد فراوان منتشر شده پس از آن تقلب آشکار حکومتیان را به خوبی بر ملا ساخت. این تقلب و این خیانت به آراء مردم میهن ما خشم همگانی آنان را بر انگیخت و اعتماد مردم را نسبت به حکومت رسمی کشور در هم شکست. علت آنچه در این روزهای پس از انتخابات انجام شده است، و آنچه که در آینده انتظار می رود که انجام بشود را باید در این بحران عمیق و شکاف غیر قابل ترمیم بین حکومت استبدادی و مردم جستجو کرد. اکثریت مردم میهن ما آخرین باور خود را به رژیم سرکوب و استبداد از دست داده است و عصر اعتراضات پیگیر و فزاینده چه در سطح جامعه و چه در اعماق آن آغاز شده است و این آغاز پایان رژیم استبداد و عوام فریبی قرون وسطایی در میهن ماست.

**سؤال:** بعد از انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم ژوئن (۲۲ خرداد ماه)، جنبش اعتراضی ایران مسئله بسیار مهمی در اخبار جهانی بوده است و هواداران بسیار زیادی را در نقاط مختلف جهان بدست آورده است. چه گروه های اجتماعی ای بخش های مختلف این جنبش

شخص میرحسین موسوی با آنچه گفته شد و با برنامه های ارائه شده از طرف او و مواضع تا کنونی خود علیه حکومت دروغ و بیدادگری و استبداد موجود تا کنون در کنار جنبش و با جنبش مردمی بوده است. این همان چیزی است که موجب شده است مردم معترض میهن ما با توجه به همه محدودیت های موجود نقش رهبری او را به پذیرند.

**سؤال:** در مبارزه بر ضد رژیم، کدام نیروهای را، بهیچ وجه، شما نمیتوانید بعنوان متحدین حزب توده ایران بشمار بیآورید؟

**جواب:** هر نیرویی که انگیزه مبارزه اش علیه رژیم مغایر با مصالح و منافع مردم و مصالح ملی کشور باشد، در این فهرست می گنجد. اتحاد عمل با نیروهای طرفدار بازگشت رژیم مطرود و به تاریخ سپرده گذشته پیش از انقلاب بهمن ۱۹۷۹ به هیچ وجه نمی تواند مطرح باشد.

**سؤال:** شما حمایت کشورهای غربی از اعتراضات را، بخصوص بخش امریکائی آنرا، چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا امکان این را مبینید که از اعتراضات در راستای منافع بین المللی استفاده بکنند؟ آیا خطر "انقلاب" رنگین (مخملین) سازمان جاسوسی سیا وجود دارد؟

**جواب:** حزب توده ایران از حمایت توده های مردم و احزاب و نیروهای چپ و دمکراتیک کشورهای غرب نسبت به اعتراضات مردم کشور استقبال می کند. این حمایت مایه دلگرمی و تقویت حرکت مردمی در راه تحقق حقوق پایمال شده آنان است. و اما موضع گیری دولت هائی که در تقابل با حکومت کشور هستند نه تنها در شرایط کنونی نمی تواند کمکی به نفع حرکت معترضین در جنبش مردمی باشد، بلکه می تواند مورد استفاده رژیم و حتی بهانه ای برای رویارویی با این جنبش عنوان شود، چنانکه این کار انجام شده است. آنچه مربوط به تلاش های نهادهای اطلاعاتی و امنیتی برخی کشورها در تدارک و فراهم ساختن زمینه نارضایی و اعتراض مردم نسبت به رژیم حاکم در کشور است، نیز واقعیت دارد. از این بهانه و دستاویز علیه جنبش مردمی و رهبران آن توسط رژیم حاکم سوء استفاده همه جانبه به عمل آمده است. ولی قاطعانه باید تاکید کرد که جنبش مردمی و رهبری آن تنها و تنها با انگیزه های آزادیخواهانه، ملی و کاملاً خود جوش و با اتکاء کامل به نیروی خود وارد این عرصه دشوار و نابرابر مبارزه با رژیم استبدادی شده است. این تحریک و پرووکاسیون مزورانه رژیم استبدادی حاکم بر میهن ما را باید همه جانبه و قاطعانه افشاء کرد.

**سؤال:** به رغم قوانین بین المللی، جهان غرب میخواهد ایران را از استفاده از انرژی هسته ائی منع بکند. آنها حتی تهدید به استفاده از نیروی نظامی میکنند. نظر جنبش اعتراضی در رابطه با مسئله جنگ و صلح چیست؟ آیا تعویض رژیم از خارج، مثل عراق، برای شما قابل قبول است؟ نظر حزب توده ایران در مورد مشاجره هسته ائی (بین آمریکا و جمهوری اسلامی) چیست؟ آیا فکر میکنید که قول دادن ایران به محدود کردن کوشش به دستیابی به انرژی هسته ائی صرف، قابل اعتماد است؟

## ادامه مصاحبه با رفیق علی خاوری ...

اعتراضی را تشکیل میدهند؟ نفوذ نیروهای سیاسی چپ در بین جنبش اعتراضی را شما چگونه ارزیابی می کنید؟

**جواب:** جنبش اعتراضی مردم همه اقشار جامعه ما را فرا گرفته است. آنها هر یک به نحوی خود را در معرض خطر سیاست های اکثراً غیر کارشناسانه و اراده گرایانه، عوام فریبانه و ماجراجویانه حکومت می بینند و نگران وضع آینده خود و کشور هستند. جا دارد همین جا از خوانندگان "یونگ ولت" از این بظاهر کلی گویی عذر بخواهم، ولی در همین جا باید اضافه کنم که هر کدام از این نسبت ها که به حکومت احمدی نژاد داده شده است، دقیقاً انتخاب شده است و دلایل و آمار روشن خود را دارد که در صورت پرداختن به آن وقت و فرصت به مراتب بیشتری طلب میشود. بی تردید نیروهای چپ با اعتقادشان به توده های زحمتکش و اهمیت و ارزش آزادی و دمکراسی در لحظه به لحظه مبارزات مردم میهن ما همواره و از جمله در این خیزش بزرگ مردمی شرکت و حضور فعال تبلیغاتی و روشنگری داشته و دارند. حزب ما قبل و در جریان انتخابات مزبور و جنبش مردمی به وجود آمده مردمی در کنار مردم و همراه آنها بوده است.

**سؤال:** به غیر از سرنگون کردن رژیم، گروههای مخالف چه نوع اهداف سیاسی مشترکی دارند؟

**جواب:** گروه های شرکت کننده در تظاهرات و اعتراضات مردمی به روند و نتیجه انتخابات همه خواهان سرنگونی نظام موجود حکومتی نیستند. قانون اساسی موجود پایه های حکومتی را اساساً بر دو اصل جمهوریت و اسلامیت گذاشته است. رژیم استبدادی روز به روز به ضرر اصل جمهوریت و ضرر حضور و مشارکت آزاد مردم در اداره کشور عمل کرده و می کند. اینک اکثریت مردم کشور به این دستبرد به حق حاکمیت خود به اعتراض برخاسته اند. دعوی جدی بین رهبری روحانیت شدیداً ارتجاعی و نیروهای حکومتی پشتیبان آن از طرفی و عموم مردم در دفاع از حق انتخاب و اراده خود بر نحوه و چگونگی اداره کشور در جریان است که محتوی اصلی و بلاواسطه این جنبش را تشکیل می دهد.

**سؤال:** میرحسین موسوی به دستگاه حاکمه تعلق دارد. او در زمان سرکوبی کمونیست ها در ایران، تا سال ۱۹۸۹ نخست وزیر بود. امروزه، حزب توده ایران از او حمایت میکند. آیا این دو متناقض یکدیگر نیستند؟

**جواب:** این درست است که میرحسین موسوی در سال های یورش به حزب نخست وزیر کشور بود و این هم درست است که به ویژه در آن سال ها تعیین کننده بلامعارض سیاست های کلان کشور شخص خمینی بود. هم چنانکه این روزها هم خامنه ای این و ظیفه را متعلق به خود می شمرد و قانون اساسی موجود این حق ارتجاعی را به او می دهد. از آنجا که حزب ما در لحظات حساس خیزش و اعتراض سرتاسری نسبت به وضع استبدادی- پلیسی و امنیتی حاکم رژیم، خود را در کنار و همراه و تا حدی پیشاپیش اعتراضات مردم می داند، از طرح هرگونه مساله ای که به وحدت و یک پارچگی حرکت وسیع مردمی لطمه بزند به درستی خود داری می کند. حزب توده ایران و همه نیروها و افراد مترقی میهن ما که در گذشته و اکنون قربانی هموار کردن راه حکومت فقها و اعوان و انصار آنها در نیروهای سرکوب مردم کشور بوده اند، صورت حساب تاریخی خود را داشته و دارند که به موجب آن همه آمران و عاملان آن جنایت بزرگ و دیگر جنایات های ضد مردمی رژیم باید به مردم ایران حساب جنایات خود را پس بدهند.



## ادامه مصاحبه با رفیق علی خاوری ...

مبارزه ضد امپریالیستی نامیدن بی مسماست و موضوعیت ندارد. نوع اختلاف و "مبارزه ضد امپریالیستی" رژیم ولایت فقیه در ایران با امپریالیسم از همان نوع مبارزه طالبان در افغانستان و القاعده و بن لادن با آمریکا است. اگر می توان به آن نام مبارزه ضد امپریالیستی داد، به این هم می توان این عنوان را اهداء کرد.

**سؤال:** با در نظر گرفتن پاسخ شما به سؤال بالا: انگیزه های رژیم در ایران در حمایتش از حزب الله در لبنان، یا جنبش مقاومت در فلسطین چیست؟

**جواب:** با توجه به ادامه سیاست زور و تجاوز اسرائیل در سرزمین فلسطینی ها از طرفی و توجه به همبستگی دینی اقشار وسیع کشور ما با مردم فلسطین از طرف دیگر، باید گفت این پروسه دردناک به وسیله حساس و تأثیر گذار بر افکار و احساسات مردم، و به ابزار مؤثری در تبلیغات و سیاست ورزی رژیم حاکم بر ایران تبدیل شده است، که تا کنون از آن همه گونه استفاده به عمل آمده است. نیروهای مترقی کشور و از جمله حزب توده ایران بر آن هستند که توافق بین مردم فلسطین و مردم اسرائیل بر صلیحی عادلانه مطلوب ترین راه حل مسئله و شاید تنهاترین راه حل آن است. حمایت از حزب الله و مبارزه مردم فلسطین برای رژیم کنونی حاکم بر کشور، هم استفاده ابزاری از این حمایت را دنبال می کند، و هم پاسخ مثبت به احساسات مذهبی پایگاه اجتماعی رژیم حاکم است. ضمن اینکه نباید فراموش کرد تحریکات و تهدیدات دولت های گذشته آمریکا علیه ایران و در دستور روز داشتن امکان استفاده از مداخله نظامی در ایران رژیم حاکم بر ایران را بر آن داشته است که سیاستی را در منطقه و جهان دنبال نماید که برای جلوگیری از تحقق چنین خطری هزینه وقوع احتمالی آنرا تا می تواند برای متجاوز فرضی افزایش دهد. جستجوی متحدان در منطقه و در جهان و هزینه کردن های جدی در این راه را باید در رابطه با احتمال چنین خطری از نظر رژیم حاکم بر ایران تلقی کرد.

**سؤال:** تظاهرات بزرگ روزهای اول جنبش اعتراضی شکست خورده اند، اعتراضات آرام تر شده اند. آیا جنبش تسلیم شده است؟ نظر شما در لحظه کنونی چیست؟

**جواب:** تظاهرات ضد رژیم نمی توانست با آن ابعاد گسترده نخستین روزهای خود ادامه یابد. آنچه انجام گرفت آغاز پر شکوه یکی از حماسه های قرن است که ایران و مردم آن را به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی رهنمون خواهد شد. در میهن ما اهت، شکست ناپذیری و تقدس قدرت حکومت مذهبی ولایت فقیه شکاف های جدی برداشته است. مردم میهن ما این واقعیت را به خوبی درک کرده اند که از جنبش و حرکت آن هاست که آینده آنان شکل خواهد گرفت و با شیوه های ابتکاری و خلاق خودشان این پیکار دشوار و نابرابر را به پیش می برند. و جالب اینکه در این پیکار بغرنج مردم معترض رهبران خود را به نحوی رهبری می کنند. پس از ۳۰ سال خفقان، عوام فریبی و استبداد و خود سری حاکم بر میهن ما بار دیگر افق های روشن فردهای آزادی و عدالت اجتماعی دل میلیون ها مردم ستمدیده ما را مالمال از امید کرده است. جامعه پر تب و تاب میهن ما آستان حوادث بزرگ و دورانساز است.

**جواب:** حزب توده ایران و همه نیروهای مردمی میهن ما خواهان حق برخورداری صلح آمیز از منافع انرژی هسته ای و تکنولوژی این رشته مهم حیاتی هستند. حزب ما و دیگر نیروهای شرکت کننده در جنبش مردمی مخالف هرگونه مداخله خارجی، چه نظامی و چه غیر نظامی، در امور میهن خود هستند. خصلت صلح جویانه این نیروها از ماهیت مردمی و دموکراتیک آنها منشاء می گیرد. تعویض رژیم با مداخله نیروهای خارجی، مانند آنچه در عراق انجام شد، برای کشوری مانند ایران نه ممکن است و نه به هیچ وجه قابل قبول. هر نیروی خارجی که دست به چنین پرووکاسیون خطرناکی بزند، دست خود و منطقه را به آتش خواهد کشید و صلح جهانی را به شدت در خطر می اندازد و پیش بینی عواقب خطرناک آن بطور کامل غیر ممکن است. و اما اینکه آیا قبول رژیم در استفاده از نیروی هسته ای صرفاً در محدوده استفاده صلح آمیز قابل اعتماد است یا نه، باید گفت با وجود هرگونه احتمالی حق ملت ها و کشورها برای دستیابی به انرژی و تکنولوژی هسته ای استثناء بردار نیست و راه جلوگیری از هر احتمال منفی اعتماد سازی بین ایران و کشورهای نگران از دستیابی ایران به این انرژی است و به خاطر چنین احتمالی، که می تواند شامل هر کشوری بشود، نمی توان کشوری را از حق طبیعی و قانونی آن محروم ساخت.

**سؤال:** احمدی نژاد، به خاطر مسائلی که در بحث و جدلش در مبارزه خود با اسرائیل مطرح می کند، متهم به ضد یهودی بودن شده است. مردم در ایران سخنان او در رابطه با کشتار همگانی یهودیان (هولاکاست) را چگونه تعبیر می کنند؟

**جواب:** قاطبه مردم میهن ما، همه احزاب و نیروهای چپ و مترقی واقعیت قتل عام یهودیان را در آلمان نازی واقعیتی تاریخی شناخته و می شناسند. ولی رژیمی که بر اصول زور و سرکوب و عوام فریبی متکی است، نیازمند دست اویزهایی برای پیشبرد چنین سیاست هائی است. همبستگی مذهبی مردم ایران با مردم فلسطین و اعمال سیاست های ظالمانه و تجاوزگرانه از طرف اسرائیل نسبت به مردم فلسطین این دستاویز را به رژیم حاکم بر ایران داده است. اکثریت مردم میهن ما و همه نیروهای مترقی و دموکراتیک آن اصل احترام به توافق و حل معضل جدی و خطرناک مناقشه اعراب و اسرائیل را به خوبی درک می کنند و خواهان حل نهایی آن از طریق مسالمت آمیز با رعایت حقوق از دست رفته مردم فلسطین و برقراری صلحی پایدار در منطقه و بین نیروهای درگیر هستند.

**سؤال:** از دید اسرائیل و آمریکا، ایران مخالف اصلی آنها در خاورمیانه می باشد. کشورهای جهان سوم و دولت های چپ، در مقابله با امپریالیسم با ایران اظهار همبستگی میکنند. از نظر عینی، آیا سیاست خارجی ایران یک جهت ضد امپریالیستی دارد؟

**جواب:** به اعتقاد حزب توده ایران رژیم ایران مسئله مبارزه با امپریالیسم آن معنا و محتوایی که این مبارزه برای نیروهای چپ دموکراتیک و مترقی جهان داشته و دارد، ندارد. انقلاب ۱۹۷۹ ایران امتیازات منحصر به فرد کشورهای امپریالیستی و به ویژه و در درجه اول ایالات متحده آمریکا را در ایران از آن ها سلب کرد و تقابل و تعارض بین دولت ایالات متحده آمریکا که رژیم بر آمده از انقلاب را نمی توانست به پذیرد و نه پذیرفت، عمده ترین و اصلی ترین مبنای تعیین سیاست خارجی ایران با جهان خارج و آمریکا قرار گرفت. این امر حتی در سیاست های داخلی کشور تأثیر پر جایی از خود گذاشت. این اختلاف را به نام



## ادامه رسوایی و محکومیت ...

از معترضان بر اثر حمله‌های مسلحانه نیروهای امنیتی و نظامی جان خود را از دست داده‌اند، و هزاران تن زندانی شده‌اند و صد ها نفر نیز در زندان‌های گوناگون رژیم و در اسارت نیروهای امنیتی مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش‌های تأیید شده، شمار زیادی از دستگیرشدگان زن و مرد مورد خشونت بی‌حد و حصر و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. ابعاد رسوایی رژیم آنچنان است که شماری از چهره‌های سرشناس رژیم نیز از این عملکردها ابراز انزجار کرده‌اند و انگشت اتهام همه به سوی علی خامنه‌ای و محمود احمدی‌نژاد و سرسپردگان امنیتی - انتظامی آنان متوجه است.

امروز ابعاد بحران مشروعیت رژیم آنچنان است که حتی بخشی از روحانیون و دولتمردان بلندمرتبه نیز تردید و دودلی خود را نسبت به امکان و عقلانی بودن ادامه این سیاست‌ها بیان می‌کنند.

بررسی این وضعیت در عین حال یاد آور شباهت‌های ناگزیر بین شرایط کنونی و بحرانی است که در آخرین سال‌های رژیم پادشاهی لحظه به لحظه اعتبار اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن را در بر گرفت و سرانجام به فروپاشی آن انجامید. در افکار عمومی مردم ایران و جهان، عملکرد هفته‌های اخیر سران ارتجاع از جمله خشونت و سرکوب بی‌رحمانه توده‌های عظیم معترض به تقلبات آشکار انتخاباتی، نشانه دست و پا زدن رژیمی مستأصل و درمانده برای بقای خود و چنگ انداختن به قدرت با پنجه‌های خونین محسوب می‌شود.

سیاست تبلیغاتی رژیم، از جمله شعارهای توخالی ضد اسرائیلی، ضد آمریکایی و ضد انگلیسی رژیم، صرفاً هیاهو و پرده استتاری است به منظور پنهان کردن ذات و ماهیت اساساً ضد دموکراتیک آن و منحرف کردن توجه افکار عمومی در جامعه‌ای که سخت از افشاء گری‌های هفته‌های اخیر متقلب شده است. اکنون به وضوح می‌توان دید که بخش‌های وسیعی از جامعه ایران به طور فعالی خواهان پایان حیات رژیم استبدادی در میهن ما هستند.

تاریخ جنبش‌های مردمی را در سنگر‌های نبرد: در کوچه‌ها و خیابان‌ها، در کارخانه‌ها، در مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز کار، یعنی آنجا که توده‌ها برای ایجاد تغییر و دفاع از عدالت، دموکراسی و حقوق‌شان بسیج می‌شوند، می‌نویسند. امروز در ایران تاریخ در حال نوشته شدن است و رژیم ولایت فقیه با شکنجه، محاکمات فرمایشی و سرکوب خونین و خشن جنبش مردمی نمی‌تواند روند تاریخی بی‌که در میهن ما در جریان است را متوقف کند. این آغاز پایان رژیمی است که بی شک محکوم تاریخی این نبرد خواهد بود.

گسترش بحران کنونی همچنین موجب پیدایش شکاف بی‌سابقه‌ای در درون رژیم و حتی در میان محافل "خودی" شده است. به عنوان نمونه، آقای کروبی رئیس پیشین مجلس اسلامی در نامه‌ای به رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان و شورای تشخیص مصلحت رژیم و رئیس جمهور سابق، نگرانی خود را نسبت به افشای شواهد شکنجه و تجاوز به زندانیان سیاسی در زندان‌ها بیان کرد، و گفت: "حتی اگر یک مورد نیز صدق داشته باشد، فاجعه‌ای است برای جمهوری اسلامی". اظهار چنین مطالبی از سوی

یکی از روحانیون اصلاح‌طلب که نقش موثری در حیات رژیم در سه دهه گذشته داشته است به روشنی انشقاق و شکاف تعمیق‌یافته در رژیم را نشان می‌دهد. در روزهای اخیر نیز نامه‌ای افشاکنده با امضاء "جمعی از علما و فضلالی حوزه‌های علمیه قم، اصفهان و مشهد" منتشر شده است که ضمن بررسی حوادث روزهای اخیر به صراحت مسئله عدم صلاحیت علی خامنه‌ای را برای ادامه "رهبری نظام" اعلام کرده است و از مجلس خبرگان خواستار رسیدگی به وضعیت "رهبری" رژیم شده است. در عین حال جنبش اعتراضی مردم به شیوه‌های دموکراتیک و ممکن نیز ادامه دارد. تظاهرات گسترده مردم در روز برگزاری مراسم تحلیف احمدی‌نژاد و در شرایطی که بیش از ۵۰۰۰ نیروی امنیتی و انتظامی ساختمان مجلس در میدان بهارستان را محاصره کرده بود، و رئیس جمهور "منتخب" در هراس از واکنش انتخاب‌کنندگان معترض مجبور به استفاده از هلیکوپتر برای آمدن به مراسم شده بود، خود نمایش این واقعیت است، که بحران سیاسی حاکمیت باز هم گسترش خواهد یافت. این حقیقت که بیش از ۵۰ تن از نمایندگان مجلس، کاندیداهای معترض به نتیجه آراء، دو رئیس جمهور پیشین و اعضای خانواده

خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، و برخی روحانیون سرشناس از حضور در مراسم تنفیذ و تحلیف ریاست جمهوری امتناع کردند، نیز نماد دیگری از بحران فزاینده ولی فقیه و متحدان آن است.

ادامه مقاومت میرحسین موسوی و نیروهای اصلاح طلب در مقابل کودتای رژیم و تدبیراندیشی برای سازمان دهی جنبش اعتراضی مردم نیز در ادامه و تعمیق بحران رژیم کم تاثیر نبوده است. اظهارات و موضع گیری‌های دقیق و پیگیر موسوی، که در چهارچوب قانون اساسی رژیم صورت می‌گیرد، قدم به قدم زمینه‌های تشکیل یک جبهه وسیع توده‌ای برای مقاومت مدنی در مقابل تعرضات رژیم را ایجاد می‌کند. حضور پر شور و شجاعانه میلیون‌ها تن از مردم کشور در تظاهرات خیابانی و مقابله با گزندگان رژیم به موسوی و طرفدارانش این پشتوانه حمایتی را داده است که بتوانند حضور پر رنگ و قابل تأییدی را در جنبش مقاومت توده‌ای داشته باشند.

در همین راستا باید به موضع گیری شجاعانه مهدی کروبی در افشای تجاوز جنسی وحشیانه به زندانیان سیاسی و همچنین انتقاد صریح او از سکوت پر معنای برخی سران رژیم اشاره کرد. انتقاد کروبی از اینکه علی لاریجانی، رئیس مجلس، و علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم، که رئیس کمیته پیگیری وضعیت آسیب دیدگان حوادث اخیر است، بدون هیچ پشتوانه تحقیقاتی مسایل مطرح شده در نامه او به رفسنجانی را تکذیب کرده‌اند، نمایشی از ابعاد شکافی است که سر تا پای رژیم را فرا گرفته است. کروبی پس از اظهار اینکه "آخر چطور می‌شود که بدون آنکه تحقیقی صورت گیرد و جلسه‌ای تشکیل شود می‌گویید این ماجرا کذب محض بوده است" به نکته کلیدی‌ای اشاره می‌کند که توجه به آن برای تحلیل شرایط کنونی ضروری است. کروبی می‌گوید: "من احساس می‌کنم که این موضع گیری‌های شتاب زده تحت فشار صورت گرفته است زیرا این بزرگواران نگران آن هستند که به سرنوشت دیگر دوستان خود در گذشته دچار شوند. چرا که آقای لاریجانی نگران آن است که ... او را از ریاست مجلس حذف کنند و یا اینکه آقای بروجردی نگران تکرار سرنوشت دیگر دوستانش چون آقای افروغ در مجلس هفتم است که او را از ریاست کمیسیون حذف کردند و یا سرنوشت مجید انصاری و محتشمی پور در مجلس ششم هستند." در واقع کروبی با انگشت گذاردن بر مسئله فشار برای بیعت گرفتن از مهره‌های معترض رژیم با دولت احمدی‌نژاد، به روندی توجه می‌دهد که رژیم برای حفظ حیات خود و پایان دادن به بحران با ابعاد گسترده بی‌دنبال می‌کند. حاصل اساسی این فشارها جدا شدن بیش از پیش بخش‌هایی از حاکمیت از آن و محدود شدن پایگاه سران ارتجاع حتی در نهاد‌های مذهبی است.

عملکرد رژیم ولایت فقیه در هفته‌های اخیر، از تقلبات گسترده در نابودی رای میلیون‌ها ایرانی، تا سرکوب خشن و خونین جنبش مردمی بی‌شک به بی‌اعتباری بیش از پیش رژیم استبدادی در افکار عمومی ایران و جهان منجر شده است. حامیان آزادی، دموکراسی و استقلال مردم ایران در سراسر جهان مشخصه‌های جعلی و دروغین "طرفدار زحمتکشان بودن" و "مخالفت با امپریالیسم" احمدی‌نژاد و پشتیبانان او را درک کرده و مردود می‌شمارند. شواهد و نشانه‌های غیرقانونی بودن رژیم حاکم را می‌توان در خیابان‌های تهران و در رنج و عذاب مخالفان رژیم در بیدادگاه‌های قرون وسطایی، زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های نظامی یافت.

از دید نیروهای دموکرات و مترقی ایران و جهان، تنها راه درست و اصیل، حمایت از مبارزه برحق مردم ایران، و منزوی کردن هرچه گسترده تر رژیم شکنجه، ترور و اعدام در ایران است. نمی‌توان فقط به تحقیق کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد آزار و اذیت بازداشت‌شدگان اکتفا کرد؛ پایان دادن به وحشیگری رژیم چالشی جدی است که در برابر همه نیروهای دموکراتیک ایران و جهان قرار دارد و نیازمند مبارزه گسترده و مشترک نیروهای آزادی خواه میهن و همبستگی قدرتمند جهانی است.

## ارتجاع حاکم و طرح تشکیل نهادهای کارگری

درواضح حساس و دشوار حاکم برمیهن ما و به موازات اعتراضات گسترده توده ها برضد کودتای انتخاباتی، زمزمه هایی از لزوم ایجاد تشکل های کارگری از سوی محافل مینوی در حاکمیت به گوش می رسد. مواضع درباره ایجاد تشکل های کارگری و نقشی که می باید برعهده داشته باشند، نمی تواند بی ارتباط با وضعیت کنونی کشور و جدا از دیگر برنامه های اقتصادی-سیاسی رژیم ولایت فقیه باشد. در این خصوص محمد جهرمی، وزیر کار دولت نهم، در اوایل مردادماه، درحاشیه مراسم تجلیل از مریبان و روسای نمونه مراکز دولتی و آزاد آموزشگاه های فنی و حرفه ای به خبرنگاران گفته بود: "در وزارت کار راهبردهایی براساس اهداف و نیازها تنظیم شده که امیدواریم به فاز اجرا و عملیاتی نیز برسد، درمورد اصلاح قانون کار نیز کمیسیون مربوطه وظایف خود را انجام داده است." به فاصله چند روز پس از سخنان وزیر کار و تاکید او بر لزوم اجرایی شدن راهبردهای تدوین شده در وزارت کار و امور اجتماعی، ایلنا ۱۰ مرداد ماه گزارش داد، عده ای از نمایندگان مجلس با حمایت هیات رییسه چگونگی تهیه و تصویب قوانینی برای تشکیل نهادهای کارگری و کارفرمایی مستقل را بررسی می کنند. این خبرگزاری از قول عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هشتم، خاطر نشان ساخت: "فراکسیون کارگری مجلس و کمیسیون اجتماعی به عنوان کمیسیون تخصصی باید آمادگی داشته باشند، قوانینی را به تصویب برساند تا تشکیلات کارگری و کارفرمایی مستقل تراز گذشته فعالیت کنند، کارگران و کارفرمایان درانتخاب نمایندگان خود آزاد هستند، با این وجود دولت هم نظارت خود را اعمال می کند. درهमे کشورها ضوابطی برای تشکیل نهادهای کارگری و کارفرمایی وجود دارد...."

درهمن کشاکش هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار اعلام کرد بنابه تصمیم اکثریت اعضای هیات مدیره برای رفع مشکلات کارگری و چالش های عمده ای که کارگران با آن روبرو هستند، فعالیت کانون عالی شوراهای اسلامی کار گسترش خواهد یافت و این نهاد فعال تر خود را درگیر مسایل کارگری کرده و درگام اول نیز یک پایگاه خبری-تحلیلی روزانه راه اندازی می شود.

علت چنین تصمیمی را نایب رییس هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، تاکید دوباره برپایگاه این کانون درمیان نهادهای صنفی کارگری عنوان کرد. این اقدام به قول خبرگزاری ایلنا، کلی و سر بسته به معنای تحرک بیشتر این نهاد درواضع کنونی است. شوراهای اسلامی و کانون عالی شوراهای اسلامی کار از سوی کارگران کشور طرد شده تلقی می گردند و تلاش برای گسترش فعالیت آن با توجه به طرح های وزارت کار و بررسی های اخیر مجلس صورت می گیرد. خبرگزاری ایلنا ۵ مرداد ماه با ابراز نگرانی از انزوای روزافزون کانون عالی شوراهای اسلامی درمحیط های کارگری و واکنش خشم آلود زحمتکشان نسبت به این تشکل ارتجاعی، به مسئولان این کانون هشدار داد: "پرواضح است که بحران های کارگری ایران اگر درچند سال اخیر بدتر نشده باشد، بهترنشده است به ویژه آنکه بحران اخیر اقتصادی دردینا و کمبود نقدینگی درایران امروز همچنان از عوامل تشدید کننده مشکلات کارگری هستند، هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار بدون هرگونه وعده دادن و کلی گویی باید پاسخگوی کارگران و یا به عبارتی موکلان خود باشد. شاید درست دراینجاست که مثل "قاچ زین را بچسب، اسب سواری پیشکش" درکنار مثل ها و عبارات مصطلحی از این دست معنی پیدا می کند ..."

اما مساله لزوم تشکیل نهادهای کارگری از سوی محافل مرتبط با حاکمیت به همین جا خاتمه پیدا نمی کند. بعد از آنکه جمهوری اسلامی نتوانست ریاست دوره ای اجلاس سازمان بین المللی کار را به دست بیاورد و از اجلاس دوره ای کناره گیری کرد. باردیگر مساله تشکل های کارگری درصدر خبرهای مجلس و دولت قرار گرفت. ایلنا ۱۰ مرداد ماه گزارش داد: "عضو هیات رییسه کمیسیون اجتماعی مجلس اعلام کرد که ایران یکی از

آزادترین کشورها درزمینه انتخاب نمایندگان کارگری و کارفرمایی است. اگر سازمان های نظارتی مانع از کاندیدا شدن افراد دارای پرونده برای عضویت درتشکلات کارگری می شوند، این موضوعی است که درهमे کشورها وجود دارد. معتقدم که قانون اساسی کشور حق هرگونه اعتراض و مطالبه به حق را به افراد داده است، بنابر این اعتصاب به معنی آنچه دربرخی کشورها اتفاق می افتد درکشور ما موضوعیت ندارد. حضورنماینده کارفرما دربرخی تشکلات کارگری نمی تواند مانعی برای احقاق مطالبات کارگران شود."

موضع گیری فوق به طور شفاف تری محتوی نهادهای کارگری که قرار است تقویت و یا تشکل شوند را نشان می دهد. به عبارت دقیق تر با حمایت دولت نماینده کارفرما می تواند درتشکیلات صنفی کارگری حضور یابد و این مغایر قانون نیست و مانعی در احقاق حقوق زحمتکشان ایجاد نمی کند و نیز اعتصاب درجمهوری اسلامی موضوعیت ندارد یعنی قانونی قلمداد نمی گردد.

درماه های گذشته، بویژه با طرح تحول اقتصادی و هدفمند سازی بارانه ها درمجلس و تاکید علی لاریجانی رییس مجلس بر تصویب این طرح ها، جریان شناخته شده ای که ماهیت شدیدا ضد کارگری دارد، آرام آرام موضوع چگونگی فعالیت تشکل های مستقل کارگری و انطباق این نهادهای صنفی با اهداف ارتجاع حاکم را دنبال می کند. این برنامه با کودتای انتخاباتی و اوچگیری جنبش اعتراضی به شکل جدی تر پی گرفته شده و مهار جنبش کارگری و جلوگیری از اعتصابات به آن افزوده گردیده است و علاوه بر مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، وزارت کار و دادگاه انقلاب اسلامی، پایگاه های بسیج کارخانجات هم درخدمت آن قرار گرفته اند. بی جهت نبود، هیات رییسه مجلس و کمیسیون اجتماعی آن برضرورت اصلاح قوانین و ایجاد تشکل ها و تقویت نهادهای کارگری موجود پافشاری کرده و یادآور می شوند: "اصل روابط کار درکشور حل مسالمت آمیز مسایل و منافع مشترک کارگران و کارفرمایان است."

دراین زمینه دولت احمدی نژاد نقش اصلی را برعهده دارد و بی شک دولت برآمده از کودتا سعی خواهد کرد این طرح را با اعمال زور و فشار به مرحله اجرا درآورد. طرح ایجاد تشکل های کارگری بخش جدایی ناپذیر طرح اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه داران و به زبان کارگران و زحمتکشان است. دراین زمینه دولت کودتا، بازوی اجرایی این طرح قلمداد می شود که برای نخستین بار دراتاق بازرگانی تهیه و تدوین شد و پس از آن واپس گرا ترین و سیاه ترین، جناح ها و نیروهای حاکمیت مانند باندهای هوادار احمدی نژاد یعنی کودتاچیان و نیز هیات های مولف با پشتیبانی خود از آن، خواستار اجرای سریع طرح گردیدند.

ایلنا اول مرداد ماه از قول مسئولان وزارت کار گزارش داده بود: "دراصلاح قانون کار، ایجاد تشکل های مستقل کارگری درنظر گرفته شده و دراین خصوص با مجلس مشورت هایی مفید صورت پذیرفته است که درآینده نتایج آن روشن می گردد."

تبلیغات پر سرو صدای اخیر از سوی کانون شوراهای اسلامی کار، انجمن های اسلامی و جز اینها که "بحث ایجاد تشکل های مستقل مفید است"، "اسم تشکل اهمیت چندانی ندارد"، تشکیل نهادهای مستقل باعث بهتر شدن معیشت می شود و نباید کارگران نگران اصلاح قانون کار باشند" همگی درراستای اجرای طرح فوق العاده خطرناک و ضد کارگری ارتجاع حاکم و دولت برآمده از کودتا است. هدف عمده این طرح همچنانکه درسطور پیشین اشاره شد، انطباق فعالیت تشکل های کارگری با سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه و جلوگیری از رشد و گسترش اعتراض و اعتصابات کارگری و پیوند آن با جنبش سراسری دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم ایران است.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ما باید هوشیارانه وبا ظرافت و قاطعیت با برنامه های ضد کارگری رژیم مبارزه کرده و با پیوند اعتراضات خود با جنبش همگانی مردم علیه کودتای انتخاباتی، هم به تقویت و استحکام جنبش مردمی یاری رسانند وهم دررویارویی برای حقوق و دستاوردهای خود با ارتجاع حاکم تکیه گاه مطمئن داشته باشند.

کارگران و زحمتکشان درمقابل توطئه مرتجعان کودتاچی سکوت نکرده و نخواهند کرد!



فلسطینی در  
محدوده  
مرزهای قبل  
از ۱۹۶۷ و  
همچنین  
“حقوق  
بازگشت” برای  
پناهندگان  
فلسطینی بود،  
توسط همه

زندانیان فلسطینی که همه جناح‌های اصلی جنبش فلسطین و از جمله حماس را نمایندگی می‌کردند، به امضاء رسید.

مروان برغوتی از منتقدان سیاست‌های رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین در دو دهه اخیر می‌باشد. او معتقد است: “ما هفت سال در جریان انتفاضه بدون هیچ مذاکره‌ای مبارزه کردیم. و آنگاه ۷ سال مذاکره کردیم بدون اینکه هیچ انتفاضه‌ای در برنامه ما باشد. اکنون شاید زمان آن رسیده است که به طور همزمان هم مذاکره و هم انتفاضه را جلو ببریم.”

انتخاب مروان برغوتی به کمیته مرکزی الفتح، بحث‌های جدی را در میان سیاستمداران اسرائیلی دامن زده است. تعدادی از وزرای دولت اسرائیل و اعضای کنست، پارلمان اسرائیل، در رابطه با امکان گنجاندن برغوتی در لیست تعویض زندانیان از دو طرف، و اینکه برغوتی در مقابل آزادی گیلاد شالیت، نظامی اسرائیلی که در جریان درگیری‌های ۲۰۰۶ به چنگ نیروهای حماس افتاد، سخن گفته اند.

### دورنمای حل مسئله فلسطین

در طول دو دهه گذشته و در جریان سال‌هایی که الفتح نقش برجسته در مذاکرات صلح و اداره حکومت خودگردان فلسطینی را داشته، شهرت و محبوبیت آن بر اثر شواهد فساد گسترده، عدم به کارگیری نیروهای مستعد و متخصص در اداره امور، غافلگیری اقتضای آمیز در انتخابات سال ۲۰۰۶ و شکست در برابر حماس، و عدم موفقیت در برپایی یک دولت مستقل فلسطینی به رغم ده‌ها سال مذاکره، به شدت ضربه خورده است. پیشرفت اقتصادی اخیر در کرانه غربی، که تا حدی ناشی از تصمیم بنجامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در کاهش محدودیت‌های اعمال شده بر مناطق فلسطین نشین به عنوان بخشی از برنامه “صلح اقتصادی” اش بود، بخت و اقبال الفتح را باز کرد. اما در چشم بیشتر فلسطینی‌ها این بهبود وضع، در برابر مسئله مهم‌تر حرکت و پیشرفت به سوی استقرار یک دولت مستقل، دستاوردی بسیار ناچیز است. کنگره الفتح اگرچه روند را کد صلح با اسرائیل را تأیید کرد، اما “حق مقاومت در برابر اشغالگران” را نیز برای خود محفوظ نگاه داشت.

صائب عریقات دیگر عضو جدید کمیته مرکزی الفتح، تأکید کرد که اسرائیل باید تمام سرزمین‌های اشغالی در جریان جنگ شش روزه را باز پس بدهد. به گفته صائب عریقات: “جنبش الفتح صلح می‌خواهد، اما دستیابی به صلح بدون عقب رفتن اسرائیل تا مرزهای سال ۱۹۶۷ و استقرار یک دولت فلسطینی در درون مرزهای ۱۹۶۷، به پایتختی اورشلیم شرقی، امکان‌پذیر نیست.”

روز دوشنبه ۱۹ مرداد اویگدور لیبرمن وزیر خارجه اسرائیل در دیدار با نمایندگان دموکرات ایالات متحد آمریکا اظهار داشت که به غیر از “حماس در نوار غزه و الفتح در کرانه غربی” نهاد فلسطینی دیگری برای مذاکره با تل‌آویو وجود ندارد.

## کنگره سازمان الفتح راه گشای حل مسئله فلسطین؟

با اعلام نتایج کنگره سازمان الفتح که در هفته دوم مردادماه در “بیت‌الحم” برگزار شد، مشخص است که رهبری این عمده‌ترین جریان سیاسی فلسطین به نسلی جوان که در جریان مبارزات دو دهه اخیر پرورش یافته‌اند، منتقل شده است. تحلیل‌گران مطلع معتقدند که این تغییرات منشا ایجاد تحرک بیشتر در جنبش آزادی بخش ملی فلسطین و مبارزات آن در راستای احقاق حقوق مردم فلسطین خواهد بود.

بر اساس لیست اعلام شده روز ۱۹ مردادماه در جریان انتخابات برای تعیین ترکیب کمیته مرکزی جدید، در کنگره اخیر الفتح، که برای اولین بار پس از پنجمین کنفرانس آن، در تونس در سال ۱۹۸۹، برگزار می‌شد، مروان برغوتی، دبیر کل محبوب الفتح در کرانه غربی، از جمله انتخاب شدگان به نهاد اداره‌کننده ۱۸ نفری این سازمان است. مروان برغوتی زمانی که قیام مردم فلسطین در جریان “انتفاضه دوم” در سپتامبر ۲۰۰۰ آغاز شد، رهبری شاخه پیکارگر “تنظیم” را به عهده داشت. رهبر محبوب و سرشناس جنبش مردم فلسطین بر ضد اشغالگران در سال ۲۰۰۲ توسط نیروهای اسرائیلی دستگیر شد و در سال ۲۰۰۴ در یک دادگاه اسرائیلی و در جریان محاکمه سئوال برانگیزی به اتهام “دست داشتن در پنج مورد حمله منجر به مرگ غیرنظامیان” مجرم شناخته شد و به پنج بار حبس ابد محکوم شد. او همواره این اتهام را ناروا دانسته و خود را از هرگونه جنایتی میرا اعلام کرده است.

محمد دحلان، شخصیت پراقتدار پیشین الفتح در نوار غزه که در این انتخابات به کادر رهبری برگزیده شد، بر این نظر است که این انتخابات “آغازگر آینده‌ای نوین برای جنبش و دوران دموکراتیک نوینی است.” اما در این انتخابات همه کادرهای اولیه و همراهان یاسر عرفات جایگزین نشدند. سه تن از قدیمی‌ها کرسی خود در شورای عالی را حفظ کردند، و سلیم زنون، یکی از بنیان‌گذاران اردنی الفتح که نمونه نسل پیشین مورد حمایت محمود عباس است، توانست به کمیته مرکزی راه یابد. یکی از پیامدهای قابل توجه کنگره الفتح و به قدرت رسیدن رهبری جدید در این سازمان را باید در تبریک حماس به آن تلقی کرد. محمود ظهار، رهبر حماس، عنوان کرد که نتیجه انتخابات گشوده شدن راهی را برای گفتگو بین دو جریان قدرتمند فلسطینی که برای مدت طولانی درگیری داشته‌اند، بشارت می‌دهد.

### یک رهبر جدید؟

بسیاری از مردم فلسطین مروان برغوتی را یک رهبر آینده جنبش فلسطین قلمداد می‌کنند. نتایج یک نظر سنجی عمومی که امسال انجام گردید نشان داد که در صورت برگزاری یک انتخابات ریاست جمهوری در فلسطین برغوتی هم رهبر حماس، اسماعیل هانیه، و هم محمود عباس، رئیس‌جمهور کنونی فلسطین را به سادگی شکست خواهد داد.

برغوتی که برای دهه‌ها از طراحان و رهبران جنبش مردمی فلسطین بود، در اواخر دهه ۱۹۷۰ به جرم سازماندهی حمله به اسرائیل دستگیر و به اردن تبعید شد. او در سال ۱۹۹۴ و پس از امضای توافقنامه اسلو بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین، به خاک فلسطین بازگشت. محبوبیت مردمی او عمدتاً ریشه در نقش رهبری او در جریان “انتفاضه دوم” و در زمانی که او شهردار رام‌الله بود، می‌باشد. او همچنین یکی از طراحان اصلی “سند زندانیان” در سال ۲۰۰۶ است. این سند که خواستار تشکیل یک دولت مستقل

## بهداشت، نبرد سخت اواما برگردان و تلخیص از روزنامه اومانیته

“کابیتول هیل” (مجلس کنگره آمریکا) در بحث های مربوط به رفورم سیستم بهداشت ملی در باره آن توجهی مبذول نشود. در اینجا اما بحث بر سر آن چیزی است که “جیم دی مینت” آن را “آزادی انتخاب” می نامد و این امر یعنی دخالت دولت اواما از طریق این اصلاحات، بنظر او مترادف با سوسیالیسم و حتی کمونیسم می باشد، که گویا با آزادی، سازگار نیست. چه وقاحتی! سخنگویان انحصارات دارویی و خدمات پزشکی می گویند این بوروکرات ها و دولتمردان نیستند که باید به سالخوردگان تجویز کنند که چه قرصی را مصرف بکنند یا نکنند. به نظر آنان هر کسی باید حق انتخاب داشته باشد، حق انتخاب بیمه خود را، پزشک خود را، بیمارستان خود را و ... البته انتخابی که در حقیقت توسط بیمه های خصوصی، بر اساس قید و شرط های فراوان آنها وهمچنین پروتکل ها تحمیلی آنها به پرسنل های پزشکی، به ساختارها و صنایع بیمارستانی بر اساس تصمیم موسسات و کارخانه های دارویی که فرآورده های خود به بهای گزاف میفروشند (و همان دارو ها در کانا دا ارزان تر فروخته میشود) تحمیل می شود. تحت نام حمایت از رقابت آزاد و فارغ از مداخله توسط دولت، این سپاهیان رژیم پیشین، بر مسیر جنگ علیه رفورمی که مسلماً قصد ایجاد یک تأمین اجتماعی فراگیر برای همگان، آن طوری که در فرانسه ویا دیگر کشورهای اروپائی وجود دارد نیست، به پا خاسته اند.

سندیکا ها، سازمان ها و جمعیت های ترقی خواه و بخشی از پزشکان حامی و خواستار “سیستم پرداخت واحد” بیمه می باشند. سناتور اواما در سال ۲۰۰۱ قول داده بود که به این سیستمی که ایالات متحده رابه کشوری مبدل کرده که در آن هزینه های در مانی از همه جای دنیا بالاتر است، کشوری که در آن در نتیجه پائین بودن سطح درمان ونارسائی آن، میزان طول عمر بر اساس طبقه بندی سازمان جهانی بهداشت (OMS) در میان کشور های پیشرفته، به رده بیست و چهارم نزول کرده است، خاتمه دهد. آمریکا از لحاظ مرگ و میر اطفال بعد از کوبا و در رده هشتم در جهان قرار دارد. در این کشور “مهد آزادی سرمایه” امر بهداشت هر سال بیشتر زیر سلطه بازار قرار میگیرد و هر چه بیشتر به سوی بخش خصوصی هدایت شود.

برنامه اصلاح سیستم بیمه های اجتماعی و درمانی دارای سابقه طولانی است که توسط روسای جمهور دموکرات پیشین و از جمله کندی، جانسون، کارتر و کلینتون دنبال می شد.

و این بار، اواما بر اساس شیوه ای که معتقد بود باید یک راه حلی را که که مورد قبول اکثریت نمایندگان و از هر دو حزب باشد پیدا کند، آنها را به کاخ سفید دعوت کرد. و خود نیز برای قانع کردنشان به کنگره خواهد رفت و بدون شک به دور از هر نوع خیال پردازی نگران نتیجه انتخابات میان دوره ای هم خواهد بود. در

### ادامه در صفحه ۲

#### کمک های مالی رسیده

۲۰۱۰ دلار

هوادران حزب از مینه سوتا

اواما با نبرد سختی (مانند جنگ واترلو) تهدید می شود. گفته می شود که اگر پروژه اصلاحات پوشش پزشکی پیشنهادی پریزیدنت اواما به تصویب کنگره آمریکا نرسد، این امر شکستی بزرگ برای او خواهد بود. اولین کسی که چوب تکفیر را علیه اواما بلند کرد “جیم دی مینت”، سناتور جمهوریخواه از کارولینای جنوبی است. با کمی تقریب، در تازه ترین نظر سنجی های منتشر شده، اکنون نگرانی از این وجود دارد که اواما در آوردگاهی که در دوره مبارزات انتخاباتی اش اولویت نخست در میان اولویت هایش را داشت، ممکن است در آستانه شکست باشد. و آن عبارت است از رفورم یک سیستم نادرست بیمه های درمانی که چهل و هفت میلیون آمریکائی را به خاطر فقدان توانائی در پرداخت اقساط بیمه هایشان از این مراقبت ها محروم می کند. شش ماه پس از راه یافتن به کاخ سفید به یقین ماه عسل پایان یافته است ولی بدیهی است هرگز هیچ رئیس جمهوری چنین اکثریتی را حائز نبوده است.

بهر حال، بر اساس برآورد موسسه گالوپ، از ماه سپتامبر گذشته (شهریورماه) تا کنون پنج میلیون نفر بیمه هایشان را از دست دادند، خواه برای اینکه بیکار شده و خواه برای این که قربانی پائین آمدن ارزش خانه هایشان شده اند، ارزشی که مبنای پرداخت وام بانکی به آنان بود. ... بیمه های بیماری و بازنشستگی در قرار داد های موسسات منظور شده است. کارگر و کار فرما هر یک بخشی را می پردازند، اما در زمان ریاست جمهوری بوش سهم کار فرما تحت بهانه کاهش هزینه تولید و بالا بردن امکان رقابت کاهش بزرگی پیدا کرد. تا پایان سال جاری میلادی میتوان انتظار داشت پنجاه میلیون نفر زیر پوشش بیمه نباشند و آنگاه تنها یک امکان باقی میماند: بیمه های پر هزینه خصوصی که عملاً برای زحمتکشان غیر ممکن است.

#### بیش از سه میلیون کودک دچار سوء تغذیه هستند

بنا به نوشته “وال استریت ژورنال” در عرض یک سال ثبت نام برای درخواست کمک در سرویس امداد به “فقیر ترین ها” بیست و سه درصد افزایش داشته است. و در خواست “بن غذایی” برای کسانی که هیچ چیز برای خوردن ندارند، نوزده درصد بالا رفته است. در پس این ارقام، باید مصیبت خانواده های کامل، شامل سه میلیون ونیم کودک کمتر از پنج سال که دچار سوء تغذیه هستند (رقمی بیش از هفده درصد) دیده میشود. اینان بخشی از میلیون ها آمریکائی هستند که زیر خط فقر فدرال (۱۵۷۰۰ دلار برای چهار نفر) قرار دارند. برای آن که کودکان مصون بمانند، اواما قانونی را به تصویب رساند که بر طبق آن سر پرستی محروم ترین کودکان برایگان به عهده گرفته می شود. ورای آمار رسمی، محرومانی هستند، که با این که زیر خط فقر قرار ندارند ولی در وضعی نیستند که بتوانند هزینه قرارداد های بیمه خود را پرداخت کنند. اما این امری نیست که در

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

۱. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:  
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
<http://www.tudehpartyiran.org> آدرس های اینترنت و “ای-میل”  
 E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 823  
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Monday 17 August 2009

شماره فاکس و تلفن  
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
 شماره حساب 790020580  
 کد بانک 10050000  
 بانک Berliner Sparkasse